

نظر منتقدان درباره مست عشق، ساخته حسن فتحی

شمس و مولانا فدای «مست»



حسن فتحی کارگردانی است که بیشترین آثار تاریخی را در کارنامه‌اش دارد. این نکته به اضافه توانمندی او در این زمینه، موجب شد تا از زمان اعلام ساخت آخرین اثر او در خصوص شمس و مولانا، همه منتظر یک شاهکار سینمایی باشیم. در حالی که با اکران «مست عشق» عده‌ای معتقدند که او با ساخت آن، بدترین شکست را تجربه کرده، چرا که «مست عشق» را بر شی از داستان شمس و مولانا، با حضور کمرنگ خودشان و خالی از اندیشه‌های ناب شمس و تعبیر مولوی می‌دانند. جدا از این که نمایش مضامین عرفانی در مدیوم سینما کار بسیار سختی است و علاوه بر پرجسارت بودن برای به تصویر کشیدن رابطه شمس و مولانا، باید پذیرفت که این دو شخصیت بزرگ و رابطه‌شان آن قدر عمیق است که در زمان صد دقیقه ننگند و تماشاگر را سردرگم کند که با توجه به صحبت قریب به اتفاق منتقدان گویا این اتفاق برای «مست عشق» روی داده است. اینکه «مست عشق» از حیث سینمایی چه نکات ضعف و قوتی دارد و آیا توانسته قصه شمس و مولانا را چنان که شایسته منزلتشان است، به تصویر بکشد؛ موضوعی است که در مورد آن با چند تن از منتقدان سینما به گفتگو نشستیم و مباحثی که توسط منتقدان در این پرونده مطرح شده الزاماً نظر صبا نیست.

عباس یاری:

مست عشق، مخاطب را به دنیای شمس و مولانا می‌برد...

عباس یاری روزنامه‌نگار، نویسنده و منتقد پیشکسوت سینما با تاکید بر این که با یک بار دیدن فیلمی، نمی‌توان نقد منصفانه و دقیقی از آن ارائه داد؛ در خصوص فیلم سینمایی «مست عشق» گفت: به نظرم کیشن ابتدایی فیلم که به نوعی سیناپس قصه، زمان و جغرافیای آن را توضیح می‌دهد، کمی عجولانه و سریع است و هیچ کمکی به مخاطب درباره آنچه می‌خواهد ببیند نمی‌دهد. ای کاش این روایت با کلامی تاثیرگذار روی این کیشن می‌آمد تا مخاطبانی که بعد تاریخی یا عرفانی این داستان را نمی‌شناسند، بهتر متوجه می‌شدند ماجرا چی به چی است یا در تیتراژ فیلم ذکر می‌شد که بازیگران فیلم ایفاگر کدام نقش‌ها هستند، این توضیح در مورد چهره‌های ترک بیشتر صدق می‌کند. یاری افزود: البته کارنامه فیلمسازی حسن فتحی نشان می‌دهد که او در به نمایش در آوردن فضاهای تاریخی، فیلمسازی بسیار کارگشته و مسلط است. مثلاً در نظر بگیرد او در سریال «مدار صفر درجه» فضای زمان جنگ بین‌الملل را چه قدر ظریف، هنرمندانه و دیدنی به تصویر کشیده است طوری که اگر مخاطبان این سریال آن را بدون تیتراژ ببینند، گمان می‌کنند محصول یک کشور اروپایی است. در مورد «مست عشق» هم خیلی نمی‌توان راجع به این که چه صحنه‌هایی از آن کوتاه شده یا چه لحظه‌هایی در فیلمنامه بوده و گرفته نشده است، به این خاطر در مورد لحظه‌هایی که فیلم چفت و بست محکمی ندارد، نمی‌توان داوری قطعی کرد هر چند وقتی قرار است در مورد یک فیلم صحبت کنیم راجع به آن چه که روی پرده می‌بینیم، حرف می‌زنیم. با در نظر گرفتن تمامی این پیش فرض‌ها باید بگوییم «مست عشق» فیلم گرم، خوش ریتم، کنجکاو برانگیز و خوش ساختی است.

عباس یاری در پایان اشاره کرد: البته فیلم در پاره‌ای از لحظه‌ها در روایت قصه ممکن است باعث سردرگمی مخاطب شود، طوری که او متوجه رابطه‌های بین کارآنها نشود. از یک زاویه‌ای هم می‌شود گفت که ممکن است این متوجه نشدن، یک بایی را باز کند تا مخاطب برود و در مورد این دو شخصیت عرفانی بیشتر بخواند. یا به عبارتی دیدن «مست عشق» موجب شود تماشاگران کنجکاو شوند و دفعات بیشتری به تماشای آن بنشینند و از دیدن آن بیشتر لذت ببرند.

شاهین امین:

«مست عشق»، احساس بدی به مخاطب نمی‌دهد

شاهین امین روزنامه‌نگار و منتقد سینما در خصوص داستان اصلی «مست عشق» بیان کرد: مدت‌هاست که شمس، مولوی که جایگاه رفیعی در ادبیات عرفانی و طرفداران زیادی در جهان دارد، رابطه آن‌ها با یکدیگر و کلاً حوزه‌های عرفانی در جهان شناخته شده‌تر شده است. نه این که قبلاً نبوده، چون برخی تصور می‌کنند که انگار تاره در این ده بیست ساله چند نفر در جهان غرب، متن‌های مولوی را خوانده‌اند و او کشف شده، در صورتی که این طور نیست و پیش از این هم مطرح بوده و حالا مدتی است که یک مقدار به قولی در بخش عمومی تر مردم

شناخته شده است. به هر صورت این ماجرا حساسیت زیادی ایجاد می‌کند و ناخودآگاه توقع بالا می‌برد و کار را برای کارگردان خیلی سخت می‌کند. بالاخره حسن فتحی نیز سابقه کاری بسیار خوبی دارد و حتی از یک استاندارد دی به بالا کار می‌کند.

وی افزود: «مست عشق» از فیلم‌هایی است که زمانی طولانی صرف تولید آن شد، که حواشی بسیاری نیز داشت و من حدس می‌زنم احتمالاً این حواشی به زیان فیلم هم تمام شده است. به هر صورت ما با یک اثر تمام شده‌ای مواجه هستیم که حس می‌شود برای تولید آن وقت، هزینه و انرژی نسبتاً خوبی گذاشته شده است تا بتواند فضا را به لحاظ بصری برای مخاطب قابل باور کند که این نکته حائز اهمیت است. چون اگر مخاطب نتواند آن تصویر را در حد حتی تصویر معمولی که مربوط به روزگاران گذشته است باور کند، تصویری ناموفق بوده است. همان طور که در بسیاری از فیلم و سریال‌های ما فارق از بحث روایت و درامی که وجود دارد، اصلاً نمی‌توان آن فضایی که در قاب تصویر وجود دارد را باور کرد و پذیرفت. به همین دلیل کلار تباط مخاطب از همان پلان‌های اولیه، منقطع می‌شود.

او با اشاره به ویژگی‌های «مست عشق» گفت: فضای فیلم به لحاظ بصری و حتی کمکی که موسیقی به آن می‌کند؛ برای مخاطب قابل باور است و پیداست که به دقت سعی شده تا یک فرازهایی از زندگی مولوی و ارتباطش با شمس انتخاب شود به اضافه داستانهایی که در کنارش بتواند ارتباط بین آن‌ها را معنا داده و قابل تصویر کند. البته تبدیل یک موضوع ذهنی به موضوعی عینی در حوزه عرفان و ادبیات، کار بسیار دشواری است که طبیعتاً هم فرهاد توحیدی به عنوان فیلمنامه‌نویس و هم حسن فتحی موقع اجرا با این

دشواری مواجه بوده‌اند.

امین با اشاره به محسنت «مست عشق» ادامه داد: قرار نیست که فیلمساز عین به عین یک دوران و یک روزگاری را بازسازی کند، مهم این است که بتواند آن را به باور تماشاگر برساند. در «مست عشق» هم کاملاً پیداست که سعی شده تا قاب فیلمبردار و چیزی که در تصویر آن دیده می‌شود، آبرومند و قابل باور باشد که همین طور هم بوده، حداقل به لحاظ بصری و قابی که بسته شده و چیزهایی که در آن قاب چیده شده مثل طراحی لباس و دکوری و...

او همچنین اظهار داشت: ولی جدا از محسنتاتی که فیلم دارد، کمبودهای بسیاری نیز در خط اصلی آن وجود دارد. زیرا موضوع محوری خود حسن فتحی برای ساخت «مست عشق»، تحولی است که مولوی در ملاقات با شمس داشته و از یک عالم مورد وثوق و مورد احترام آن روزگار که دارای موقعیت اجتماعی خیلی خوبی هم بوده به یک عارف شوریده‌حالی که خیلی‌ها در کش نمی‌کنند و حتی مورد سوال قرار گرفته و تهمت‌هایی به او وارد می‌شود و... در واقع خط محوری این فیلم تحول مولوی است در اثر ملاقات با شمس. ولی به نظر من اشکال کار کمبودهای مربوط به همین بخش است. مثلاً چگونه مولوی فقط در اثر چند ملاقات ساده، یک‌دفعه به این نتیجه می‌رسد که به یک چله‌نشینی احتیاج دارد؟ و بعد در این چله‌نشینی ما فقط یک مباحثه خیلی کوتاه و ساده می‌بینیم. به همین دلیل به مخاطبانی که داستان مولوی و شمس را ندانند حق می‌دهم که کمی گیج شوند گرچه بدون دانستن ماجرای اصلی هم می‌شود فیلم را تا آخر تماشا کرد و احساس وقت تلف شدن نکرد.

وی در ادامه گفت: شاید زمان فیلم جواب نمی‌داده، تصور من این